

- عیال الله (أفكار جديدة في علاقة المسلم لنفسه و بالآخرين)
- محمد الطالبي
- انجاز: منصف ونّاس، شكري ميخوت و حسن بن عثمان
- مركز دراسات فلسفة الدين - بغداد
- الناشر: مدين، ۲۰۰۶م

معرفی کتاب

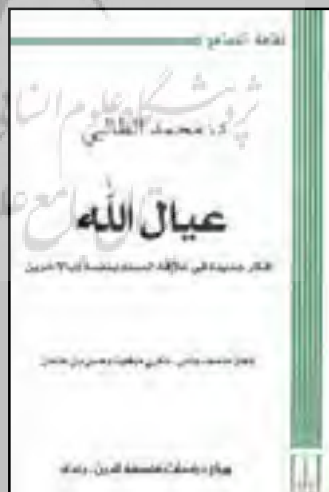
# عیال الله

«عیال الله» گفت و شنودهای سه تن از استادان دانشگاه تونس (منصف ونّاس، شكري ميخوت و حسن بن عثمان) در سه باب با تاریخ‌دان و پژوهش‌گر برجسته، دکتر محمد الطالبي است. هر باب، از دو بخش تشکیل یافته و از کودکی و پرورش و تاریخ و اسلام و قرآن کریم گرفته تا تعدد زوجات و نظام پدرسالاری و مادرسالاری و تساهل و خشونت و هم‌زیستی و رسالت اسلام در این زمانه، سخن به میان آمده است. محورهای پرسش‌ها، پراکنده و متفاوت و متعدد است و مسئله واحدی را تعقیب نمی‌کند و در حقیقت گزارشی اجمالی از علائق فکری و پژوهشی طالبي است. این گفت‌وگو برای نخستین بار در ۱۹۹۲م. در کتابی به چاپ رسید و دیگر بار به همت دکتر عبدالجبار رفاعی به همراه شمار دیگری از کتاب‌هایی که شاید «فرهنگ تسامح» را برای عراق به ارمغان می‌آورند، در مرکز پژوهش‌های فلسفه دین در بغداد به چاپ رسید. «عیال الله» اندیشه‌ها و راه‌کارهای نوینی برای پیوند انسان با خویشتن خویش و دیگری دربر دارد.

محمد الطالبي (زاد: ۱۹۲۱م) به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه می‌نگارد. پاره‌ای از کتاب‌هایش را به یاری و با همکاری پژوهندگان غربی به تحریر در آورده است. از کتاب‌های دیگر اوست:

۱. أمة الوسط: الاسلام والتحديات المعاصرة.
۲. الدولة الأغلبية.
۳. الإسلام و الحوار.
۴. إصرار على الاحترام (با همکاری اولیویه کلیمان).

● حسین عباسی



مغربی و الجزایری) می‌جوشید و با کسانی هم‌چون محسن عباسی، الشاذلی الصدفی، عزالدین بن عبدالله، و محمد مزالی که بعدها هریک به جایگاه‌های بلندی در کشور و ساحت اندیشه رسیدند، هم‌اتاق بود. دههٔ چهارم و پنجم قرن بیستم، اوج زندگی و رونق فکری پاریس بود. پاره‌ای از نمایندگان جنبش نوپای کمونیسم در اروپا، مانند موريس توراز و جان دی کلو بر دانشجویان آفریقایی اثر نهادند. ژان پل سارتر، جنبش اگريستانسالیسم را راهبری می‌کرد. عبدالرحمان بدوی با الهام از وی، در باب اگريستانسالیسم قلم‌فرسای نمود و کتابچه‌هایی در باب عقلانیت به چاپ رسیدند و به تبلیغ خداناباوری پرداختند. طالبی به اصطلاح‌سازی و تصحیح اصطلاحات نادرست همت گماشت. وی واژهٔ «نفاتیه» (خداناباوری) را به جای «الحاد» (کافری) به کار می‌برد. از دیگر سو، سران کلیسا و اسقف‌های سوربن در ردّ این اندیشه‌ها تلاش فراوان داشتند. طالبی افزون بر سرکشیدن به مراکز کلیسایی و خواندن نوشته‌های خردمداران، تاریخ و فلسفه و ادبیات هم خواند. به گفتهٔ خودش در این گیرودار چه بسا به سوی سوسیالیسم، مسیحیت، خداناباوری و یا اگريستانسالیسم هم گرایش می‌یافت. اما با این همه، با همان میراثی به خانه بازگشت که در انبان خود برده بود: «فضای پاریس مرا به ضرورت چالش آگاه ساخت. اگر چه هیچ‌کس نمی‌تواند به هنگام سخن گفتن و نگاشتن، ذهن و قلم خویش را از گرایش‌های وجودی خود بزداید، اما تلاش من همه آن بود که بدون عشق و نفرت به این خیزآب و یا آن جریان، دست به کار نگارش برم و تاریخ‌نویسی کنم».

۵. ابن خلدون و التاريخ.  
۶. تأملات فی القرآن (با همکاری موريس بوكاين).  
محمد الطالبی، شاگرد لوی پروونسال (Le'vi Provençal)، رئیس بلاشر (Re'gis Blache're) و لویی ماسینیون (Louis Massignon) بوده است. وی خود را نه یک فقیه که یک تاریخ‌دان می‌شمارد و از این‌رو به پرسش‌ها، از جایگاه یک مورخ حرفه‌ای پاسخ می‌گوید؛ البته تاریخ‌دانی سخت، دلبستهٔ اسلام و خرسند از مسلمان بودن خویش.

باب نخست کتاب، باب خطرات و خاطرات دوران کودکی و بلوغ طالبی است. زبان عربی در خانوادهٔ طالبی - که خاندانی سنتی و ریشه‌دار است - زبان گفت‌وگو بود. طالبی، عشق به آموختن و کتاب‌خوانی را از خانواده به ارث برد. هم به مدرسهٔ دولتی - که زبان آن فرانسه بود - می‌رفت و هم در مکتب‌خانه به تلاوت و یادگیری قرآن می‌پرداخت. فضای خانه نیز قرآنی بود. افراد خانه، پیرامون مفاهیم قرآنی و فقهی و روایات نبوی (ص) بحث می‌کردند. ادبیات و داستان‌های عربی نیز نقل کانون گرم خانوادهٔ طالبی بود. مدرسه، تنها به یاد دادن زبان و فرهنگ فرانسه می‌پرداخت. حتی، کتاب دستور زبان عربی (نحو) به زبان فرانسه بود. اما آموزش در «زیتونه» بر بنیاد نظام کهن بود.

در شکل‌گیری اندیشهٔ طالبی افزون بر خانه و مکتب‌خانه و آثار زیتونه و مدرسه‌های دولتی، نشریه‌هایی هم‌چون الثریه الندوة، و المباحث نقش داشتند. طالبی، با این اندیشه و توشه، به سال ۱۹۴۷م. رهسپار پاریس شد. تنها با دانشجویان آفریقایی (تونسی،

دانه می‌چیند. اختلاف و تضاد امری طبیعی، بل موهبتی الهی و ثمره آزادی و اختیار آدمیان است. نص دینی یکی است، اما قرائت‌ها متکثر است. این تعدد فهم و تأویل در همه متون دینی و ادبی و تاریخی و فلسفی و جز این‌ها راه دارد. برای کاستن از آتش جنگ و اختلاف، تساهل و تسامح کارساز نیست و باید فراتر از آن عمل کرد. نیاز آدمی نه تساهل و مدارا که احترام متقابل است. احترام یعنی در نظر داشتن حق دیگری در مخالفت و اختلاف نظر با ما. احترام فراتر و والاتر از تساهل است، زیرا تسامح چه بسا با منت نهادن همراه گردد، اما احترام حقی است که باید در برابر دیگری آن را به رسمیت شناخت.

راهکار پیشنهادی طالبی برای حل معضلات مسلمانان «اجماع» است. وی، همچنان که در کتاب *أمة الوسط* آورده میان توتالیتریسیم و آزادی بی‌بندوبار، راه میانه را بر می‌گزیند: گردهمایی و هم‌رأیی تمامی و یا بیش‌تر متخصصان و مجتهدانی که از درد و درمان جوامع اسلامی آگاهند. زیرا اسلام در نگاه طالبی با مسیحیت کاتولیک که به «بارگاه قدسی» [واتیکان] قائل است، متفاوت می‌باشد. با این اجماع می‌توان از سوءاستفاده‌ها به نام اسلام و تروریسم فکری کاست و به پذیرش حق آزادی و احترام به دیگری رسید.

از نظر طالبی اگرچه قرآن کریم آشکارا به مشاورت (شورا) و دوری‌گزیدن از استبداد رهنمون می‌کند، اما قرآن کریم کتاب قانون نیست و گرنه با گذشت زمان - و به سان سایر قوانین - جایگاه خویش را از کف می‌نهد: قرآن کریم آزادی و مسئولیت‌پذیری را به امت سفارش می‌کند، تا برای سامان‌دهی کارها و اهداف خود به شورا روی آورند. شورا و هم‌رأیی، مبنایی اخلاقی دارد و ملازم با خرد آدمی است و به فراخور زمان و مکان تغییر می‌یابد. در این راستا باید از آن‌چه امروزه نام دموکراسی گرفته، هاله‌قداست را زدود. نیز، باید دانست که قرآن کریم و سنت، تعارضی با دموکراسی واقعی ندارند. وحدت جهان اسلام در نگاه طالبی، وحدتی سیاسی نیست که همه این کشورهای

ایمان و مسائل دینی در نگاه طالبی از جنس بدیهیات ریاضی نیست. ایمان نیازمند قانع شدن و باور داشتن است و البته این اقناع جز از رهگذر عقل به بار نمی‌نشیند. این باور را نمی‌توان تزریق کرد. انتخابی فردی و آزادانه است. خداوند انسان را آزاد و مختار آفرید و از این‌رو ایمان نمی‌تواند ساز و کاری ناآزادانه و اکراه‌آمیز باشد: «لا إكراه فی الدین» (یونس/۹۹). طالبی در پاسخ‌های مربوط به بخش دوم این باب، از اجتهاد مخلصانه سخن به میان می‌آورد؛ یعنی محاسبه خود به هنگام نگارش برای زدودن هر چه بهتر و بیش‌تر گرایش‌ها و هواهای نفسانی و دستیابی به اخلاص و فروتنی.

تعهد و التزام در نظری دوری‌جستن از سودجویی و گزافه‌نویسی و استقلال در اندیشیدن است. با این همه، طالبی نیک آگاه است که اندیشیدن و نگاشتن، وام‌دار داشته‌ها و موروثات آدمی است و هیچ‌کس نمی‌تواند خود را یکسره مستقل و برخوردار از اخلاص و نوابستگی کامل بداند. انسان باید برای رسیدن به استقلال جهاد و جهاد کند تا هر چه بیش‌تر به کنه حقیقت در رسد و این است معنای اجتهاد و اخلاص. طالبی، خود، به هنگام تاریخ‌نگاری تحت نفوذ قرآن کریم است. باورها و شخصیت او در سایه قرآن کریم بالیده است. وی، در تلاش برای رسیدن به حقیقت و اخلاص در عمل، به مطالعه دیدگاه مخالفان می‌پردازد تا از هر آنچه بر او سلطه می‌راند، رهایی یابد و تاریخ را آن‌گونه که بوده، بنگارد. تاریخ در نگاه طالبی، شامل‌ترین دانش علوم انسانی است و همواره در مسیر آفرینش و رشد پیش‌رونده‌ای قرار دارد. وی در بخش نخست باب دوم کتاب می‌گوید حتی به هنگام نگارش در باب اسلام و قرآن کریم و رسول اکرم (ص)، سیره‌نگاری نمی‌کند و به پنداشت‌های نادرست و گاه مغرضانه مستشرقان در باب اسلام و پیامبر اسلام (ص) پاسخ نمی‌گوید. کار طالبی شرح و بسط مسائلی هم‌چون آزادی دینی، زنان و تعددگرایی است. انسان از منظر طالبی تعددگراست. راه‌ها و بی‌راهه‌های فراوانی می‌پیماید تا به ساحل آرامش رسد. اندیشه آدمی، سرشتی تنوع‌طلب دارد. شاخه به شاخه می‌پرد و از دام و زمین

امری بنیادین است - ضروری می‌داند. هدف دیگر این گفت‌وگوها آفرینش فضایی سرشار از مفاهیم سازنده و هم‌زیستی میان ادیان ابراهیمی است. وی مشروعیت گفت‌وگو را در دل قرآن کریم یافته است: «ادعُ اِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ ...» / (نحل-۱۲۵) و «لا تجادلوا اهل الكتاب اِلَّا بِالَّتِي هِيَ اِحْسَنُ ...» / (عنکبوت-۴۶). نیز این مشروعیت را می‌توان در تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام جست‌وجو کرد.

از نگاه وی، پذیرش «دیگری» سرآغاز فصل گفت‌وگوست. طالبی که هر انسانی را یک فرد از «عیال الله» می‌شمارد بر آن است که باید گفت‌وگو میان یک‌یک افراد این خانواده بزرگ برقرار شود و محور گفت‌وگو میان این برادران، پذیرش تعددگرایی و اختلاف نظر است. هدف از گفت‌وگو، یافتن راهی هموار در سایه احترام متقابل، راه‌کارهایی برای تبادل فرهنگ و کشف موارد اختلاف، دور از جدال و جدل در این عرصه‌هاست. زیرا یافتن ارزش‌های مشترک و بنیادی کاری سخت نیست. همه ادیان در این ارزش‌های واحد به هم می‌رسند: عشق به خداوند، خشونت‌زدایی، عشق به عدالت و محو ستمگری و باور داشتن به پایان نیافتن زندگی بشر در زمین.

طالبی، همچنان که در کتاب الاصرار علی الاحترام و تأملات فی القرآن آورده، نیک آگاه است که نباید عرصه دینی - ایمانی گفت‌وگو را با گستره فرهنگی - تمدنی درهم آمیخت.

در تاریخ از برخورد و خشونت مسلمانان با اقلیت‌ها (اهل ذمه) چیزی به چشم نمی‌خورد. رسالت اسلام، رسالتی ایمانی است و اسلام از آغاز پیدایش آدمیان با انسان همراه بوده است: «ان الذین عندالله اِلَّا اسلام» / (آل عمران- ۹۹). اسلام، پیش از هر دین دیگری از رسالتی جهانی برخوردار است: به همه پیامبران پیش از خود باور داشته و خود، خاتمیت ادیان و شرایع را رقم زده است. اسلام، دین تعاون و هم‌یاری است و مسابقه دادن و پیشی جستن میان همگان را تنها در امور نیک میان همه افراد «عیال الله» خواهان است.

کوچک و بزرگ را در زیر چتر یک سیاست کلان گرد هم آورد. طالبی، از آن‌جا که وی ایمان و اعتقاد به وحدانیت الهی را محور اتحاد آفرین می‌داند، بر آن است که رسیدن به امت اسلامی واحد، چندان دور از ذهن نیست.

طالبی، به تجربه‌های سیاسی موجود در میان کشورهای اسلامی از دیدگاه یک تاریخ‌نگار پاسخ می‌گوید، زیرا جنس اندیشه و نگاه معرفت او از جنس مبناهای معرفتی سیاست‌مداران نیست. وی حتی به پدیده‌هایی هم‌چون آزادی بیان و خشونت از این زاویه می‌نگرد و می‌نویسد: «من، چونان هر انسان و تاریخ‌دان دیگری به گذشته و سرگذشت کشورهای اسلامی می‌نگرم. هر بیننده‌ای در این تاریخ تنها خشونت را می‌بیند و همین خشونت‌ورزی است که تمدن اسلامی را به دار آویخته است». بحران بزرگ جهان اسلام از منظر طالبی - برخلاف مسیحیت که بحرانی لاهوتی است - بحران باب قانون‌گذاری و مسائل اجتماعی است و گرنه بحران فکری تنها از زمان جمال‌الدین حسینی (۱۸۳۸ - ۱۸۹۷ م) تا به امروز ادامه یافته است. از آن زمان مسئله اجرای شریعت در رفتار و اخلاق مسلمانان اثر نهاده و بحران وجدان به بار آورده است. بحران دل‌آزردگی و وجدان‌پریشی تنها با رضایت کامل مسلمانان از میان می‌رود و در این صورت هماهنگی و آرامش در پی خواهد آورد. یگانه راه رسیدن به ساحل آرام و آرامش، پژوهش و تحصیل دانش و گفت‌وگو است. باید در ابعادی گسترده، بنیادی برای معاینه و معالجه قضایای دینی به راه انداخت؛ راه‌ها و راه‌کارهای نو را پیش گرفت و به پروراندن اندیشه اسلامی و واقعی و فعال کردن آن پرداخت تا به اسلامی کردن مدرنیسم و نوسازی اسلام رسید که بدون این دو عمل، توان رستن از بحران، امکان‌پذیر نخواهد بود و این آغاز راه است.

واپسین بخش فصل سوم گفت‌وگوهای کتاب «عیال الله» پیرامون گفت‌وگو میان ادیان است. طالبی گفت‌وگو میان ادیان ابراهیمی و حتی پیامدهای ناشی از آن را به جان می‌خرد. وی در گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت، آزادی فردی را - که در نگاه طالبی